

بسیاری از ما زمانی به یاد فقرای اقیم که لباسی، کهنه شده باشد یا غذایی اضافه آمده باشد. اما قرآن کریم، استاندارد انسانیت را بسیار بالاتر می برد و مرز میان «سخاوت» (بخشش از دارایی) و «ایثار» (بخشش با وجود نیاز) را مشخص می کند.

پیام کلیدی آیه ۸ سوره انسان، این است: ارزش بخشش به «قیمت» هدیه نیست، بلکه به میزان «دل بستگی» و نیاز تو به آن است. خداوند می فرماید: «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مَشْكِيْنَا وَتَيْبِمَا وَآسِیرًا؛ و به [پاس] دوستی [خدا]، بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می دادند.»

«نکنه لطیف تفسیری در عبارت «عَلَىٰ حُبِّهِ» نهفته است. ضمیر «ه» به «طعام» برمی گردد؛ یعنی حضرت علی ^(ع) و حضرت فاطمه ^(س) غذایی را بخشیدند که خودشان به آن اشتها و نیاز داشتند. نه غذایی که زائد و بی ارزش بود.» (تفسیرالمیزان، ذیل آیه). این آیه، شناسنامه رفتاری «ایثار» (نیکان) است؛ کسانی که در او ج گرسنگی خود، دیگران را مقدم می دارند.

امام رضا^(ع) وارث همین مکتب است. روایت شده است که ایشان هرگاه سفره غذا را می گسترانند، پیش از شروع، کاسه ای برمی داشتند و از بهترین و مرغوب ترین غذاهای سفره در آن می ریختند و دستور می دادند به نیازمندان بدهند، سپس همین آیه را تلاوت می کردند. (اصول کافی، ج ۴، ص ۵۲).

این رفتار به ما می آموزد که صدقه دادن، صرفا «سیر کردن شکم دیگران» نیست، بلکه «تکریم شخصیت» نیازمند است. ما نباید آنچه خود نمی پسندیم، به دیگران بدهیم. کمک به دیگران، زمانی بوی «خدا» می دهد که برای دل کردن از آن مال، بانفس خود چنگیده باشیم.

یکی از مسائل مهم در زندگی مشترک، تفاوت در میزان پایبندی دینی و ارزشی زوجین است. این تفاوت اگر مدیریت نشود، می تواند به منبعی برای تعارض و فاصله عاطفی تبدیل شود اما اگر با نگاه دینی و روان شناسی درست به آن پرداخته شود، فرصتی برای رشد و تکامل خواهد بود.

سؤال: تفاوت های ایمانی و ارزشی من و همسرم متفاوت است؛ اگر میزان پایبندی دینی زوجین متفاوت باشد، چه کنیم؟

پاسخ: قرآن کریم هدف ازدواج را ایجاد مودت و رحمت معرفی کرده است: «وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَّوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم/۲۷). این آیه نشان می دهد که اساس رابطه بر محبت و آرامش است. نه یکسان بودن در همه ابعاد. امام علی ^(ع) نیز فرموده اند: «الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ»؛ یعنی شخصیت انسان در سخن او آشکار می شود، بنابراین شیوه گفت وگو و کنترل زبان در مواجهه با تفاوت ها، نشانه عقل و ایمان است.

از نگاه روان شناسی، تفاوت در ارزش ها، یکی از عوامل اصلی تعارض در ازدواج است. اما این تفاوت ها الزما تهدید نیستند، بلکه می توانند به رشد فردی و زوجی کمک کنند، به شرط آنکه بامهارت مدیریت شوند. نخستین اصل، پذیرش تفاوت هاست. تلاش برای تغییر کامل طرف مقابل، معمولاً نتیجه ای جز مقاومت ندارد. در عوض، تمرکز بر نقاط مشترک مانند صداقت، احترام و مسئولیت پذیری، می تواند پایه ای محکم برای ادامه زندگی باشد.

راهکار دیگر، گفت وگو همدلانه است. بیان نگرانی ها با زبان «من» (مثلا من احساس می کنم...) به جای سرزنش، باعث می شود طرف مقابل، کمتر حالت دفاعی بگیرد. همچنین توافق بر حداقل های مشترک در رفتار و ارزش ها، زمینه ای برای آرامش بیشتر فراهم می کند.

از منظر دینی، نیت اصلاحی و خیرخواهی، اهمیت ویژه دارد. خداوند در قرآن می فرماید: «إِنْ يَرِیدَا إِضْلَاحًا یُؤَفِّقْهُمَا» (نساء/۲۵). یعنی اگر هدف زوجین اصلاح باشد، خداوند دل ها را به هم نزدیک می کند. در عمل نیز پایبندی دینی، باید بیش از آنکه در توصیه ها باشد، در رفتار، نیکو و اخلاق کریمانه جلوه کند.

در نهایت، تفاوت در میزان پایبندی دینی و ارزشی پایان رابطه نیست، بلکه فرصتی است برای تمرین صبر، محبت و گفت وگوی سازنده. اگر مودت و رحمت در زندگی جاری شود، حتی تفاوت ها می توانند به نقطه قوت تبدیل شوند و خانواده را به سوی آرامش و رشد سوق دهند.

زیارت در فرهنگ شیعی، تنها یک حضور جسمانی درکنار بارگاه امام معصوم ^(ع) نیست، بلکه سفری روحانی و معنوی است که نیازمند آمادگی قلبی و ذهنی است. منابع معتبر دینی تأکید کرده اند که زائر باید پیش از هر چیز با ذکر، استغفار و توبه صادقانه، دل خود را از آلودگی ها پاک کند تا زیارت به حقیقت خود نزدیک شود.

زیارت، پیوندی قلبی با امام معصوم ^(ع) و تجدید عهد با ولایت الهی است. قرآن کریم می فرماید: «إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا» (مریم/۶۰)؛ یعنی توبه و ایمان، مقدمه عمل صالح است. این آیه نشان می دهد که حضور در محضر اولیای الهی، بدون پاک سازی درون، ناقص خواهد بود. در روایات نیز آمده است که زائر باید پیش از ورود به حرم، با ذکر و استغفار، قلب خود را آماده کند. امام صادق ^(ع) فرمودند: «مَن رَآنَا عَافَا یَحِقُّنَا غَفَرٌ... لَئِذَا تَوْبَةٍ»؛ یعنی شناخت حق اهل بیت ^(ع) و طلب مغفرت، شرط قبولی زیارت است. بنابراین توبه صادقانه نه تنها یک عمل فردی، بلکه مقدمه ای برای ارتباط معنوی با امام است.

از نگاه روان شناسی، زیارت یک تجربه معنوی عمیق است که می تواند به بازسازی روانی و آرامش درونی منجر شود. اما این تجربه، زمانی کامل خواهد بود که فرد پیش از آن، بارهای روانی و احساس گناه را سبک کرده باشد. استغفار در این معنا، نوعی «تخلیه روانی» است؛ فرد با اعتراف به خطا و طلب بخشش، ذهن خود را از فشارهای درونی آزاد می کند و آماده دریافت آرامش معنوی می شود.

توبه و استغفار همچنین به ایجاد «ذهن آگاهی» کمک می کند. وقتی زائر با ذکر و دعا وارد فضای زیارت می شود، توجه او از امور پراکنده روزمره به سوی یک هدف والا متمرکز می شود. این تمرکز، کیفیت حضور را افزایش می دهد و زیارت را از یک عمل ظاهری به یک تجربه روحانی تبدیل می کند.

در نهایت، زیارت حقیقی زمانی شکل می گیرد که زائر با قلبی پاک و نیتی خالص، قدم در حرم بگذارد. توبه صادقانه و استغفار، همانند شست و شوی روح پیش از ورود به دریای نور است. اگر این مقدمه رعایت شود، زیارت نه تنها یادآور محبت اهل بیت ^(ع) خواهد بود، بلکه به نقطه ای برای تحول فردی و اجتماعی تبدیل خواهد شد.

نشانه های دعوت

علیرضا وکیلی، یکی از موضوعات مهم در معارف رضوی، فهیم جایگاه زیارت حضرت ثامن الحجج ^(ع) و آداب ویژه زیارت آن حضرت از منظر بزرگان است؛ به ویژه درک «اذن دخول» و «اذن خروج» و اهمیت تحولات قلبی و رفتاری در حریم قدسی آن امام همام تا زائران با معرفتی عمیق تر و حالاتی متعالی تر به زیارت بپردازند. این موضوعات مهم را در گفت وگو با حجت الاسلام والمسلمین مصطفی امینی خواه، استاد حوزه و دانشگاه، بررسی کرده ایم.

زیارت ائمه اطهار ^(ع)، به ویژه امام رضا ^(ع)، از دیرباز با آداب و رسوم لطیف و دقیقی همراه بوده است که بزرگان دین بر آن تأکید کرده اند. یکی از نکات اساسی، مسئله «اذن دخول» است که بسیاری از مردم، بدون توجه از کنار آن می گذرند و آن را صرفاً چند خط نوشته می پندارند. اما اذن دخول، برگرفته از آیه قرآن کریم است که می فرماید: «لَا تَدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیِّ إِلَّا أَنْ یُؤْذَنَ لَکُمْ؛ به خانه های پیامبر وارد نشوید؛ مگر آنکه به شما اذن داده شود.» این آیه نشان می دهد که خانه پیامبر اکرم ^(ص) قداستی فراتر از زندگی ظاهری ایشان دارد و این قداست به تمام دوران ها و مکان هایی که به ایشان منسوب است، از جمله حرم مطهر امام رضا ^(ع)، نیز تعمیم می یابد. ورود به این اماکن، بدون اذن، بی احترامی به صاحبخانه محسوب می شود و مؤید آن است که این آیه، تنها مربوط به منزل شخصی پیامبر ^(ص) نیست، بلکه شامل تمام خانه هایی می شود که به نوعی به ایشان نسبت داده می شود. حرم امام رضا ^(ع)، مزار کسی است که پیامبر ^(ص)، او را «پاره ای از وجود خود» نامیده اند و این خود بر قداست بی انتهای آن می افزاید.

زمانی که به عبارت «أَذْخُلُ یا حجت!...؟ آیا وارد شوم ای حجت خدا؟ آیا وارد شوم ای ملائک خدا؟ پس اذن ده ای مولای من» می رسید، به قلبتان مراجعه کنید و ببینید آیا تغییر و تحولی در آن به وجود آمده است یا خیر. این قاعده عجیب و غریب، نشان دهنده اهمیت قلب به عنوان «خانه خدا» است

یکی دیگر از نکات مهم در آداب زیارت، احترام و معاشرت با سایر زائران است. حرم، خانه امام است و وقتی شما در محضر صاحبخانه هستید، باید با تمام حاضران با احترام رفتار کنید. حضرت عائش ^(ه) می گفت که احترام به زائر امام رضا ^(ع)، درواقع احترام به خود امام رضا ^(ع) است و باعث خوشحالی حضرت می شود. بالعکس، هرگونه بی احترامی به زائران، موجب کدورت خاطر امام و از بین رفتن فیض زیارت می شود. این نکته در خاطره ای از خود ایشان آمده است که روزی در حرم، با یکی از همشهریان خود برخورد تند داشت تا اذن دخولش از بین نرود. اما بعد ازسوی امام به خودش پیام رسید که «دیگر نیا»؛ زیرا او از چشم امام افتاده بود! این داستان، اهمیت رفتار با دیگر زائران را هم تراز با ادب حضور در خود حرم، نشان می دهد؛ چرا که امام، هر زائر را جزئی از خود می داند.

با توجه به جایگاه رفیع و قداست خانه اهل بیت ^(ع)، سؤال اینجاست که چگونه می توانیم اذن ورود به این حریم مطهر را درک کنیم؟ حضرت آیت... العظمی بهجت ^(ه) در پاسخ به این پرسش کلیدی، نکته ای بسیار عمیق را مطرح کرده است. ایشان توصیه می کرد زمانی که به عبارت «أَذْخُلُ یا حجت!...؟ أَدْخُلُ یا ملائکة!...؟ فَأَذْنُ لی یا مولای، آیا وارد شوم ای حجت خدا؟ آیا وارد شوم ای ملائک خدا؟ پس اذن ده ای مولای من» می رسید، به قلبتان مراجعه کنید و ببینید آیا تغییر و تحولی در آن به وجود آمده است یا خیر. این قاعده عجیب و غریب، نشان دهنده اهمیت قلب به عنوان «خانه خدا» است. اگر حال خوش و دگرگونی در قلب خود احساس کردید، به معنای آن است که به شما اذن ورود داده شده است. این تغییرات، می تواند به شکل انکسار باطنی، شرمندگی، شوق یا خوشحالی از رسیدن باشد، حالتی که انسان، آن را درک و توجه امام را احساس می کند.

بزرگانی چون آیت... انصاری همدانی ^(ه) نیز بر این نکته تأکید می کردند که اگر در هنگام خواندن اذن دخول، حالت خضوع، خشوع و گریه پیدا شد، این نشانه قبول شدن شما توسط امام است. در غیر این صورت، توصیه می کرد که «وصله کنید تا این حال، برایتان پیدا شود» و این به معنای آمادگی روحی برای درک فیض است. حکایاتی از بزرگان نشان می دهد که اذن ورود نه تنها با تحول قلبی بلکه گاهی با الهامات مستقیم نیز همراه بوده است. مرحوم الهی قمشه ای ^(ه) نقل می کرد که من بدون دعوت امام به مشهد نمی آیم و دعوت ایشان گاهی از طریق رؤیای صادقه و گاهی با نشانه های دیگر محقق می شود. این ارتباط عمیق با ائمه ^(ع)، به آن ها امکان درک لحظه به لحظه اذن و رضایت را می داد و نشانه ای از آمادگی باطنی و ارتباط ناگسستنی شان با معصومین ^(ع) بود.

نه تنها اذن ورود، بلکه اذن خروج از حرم مطهر نیز مورد توجه خاص بزرگان دین بوده است. مرحوم آیت... کوهستانی ^(ه)، از شخصیت های استثنایی و عارفان زمان خود، و از کسانی بود که مقید به رعایت این ادب در زیارت امام رضا ^(ع) بود. ایشان معتقد بود همان گونه که برای ورود به خانه میزبان باید اجازه گرفت، برای خروج نیز باید اذن حاصل کرد. در یکی از خاطرات آیت... آمده است که همراهانش، قصد ترک مشهد و بازگشت به شمال را داشتند، اما آیت... کوهستانی به آن ها گفت که باید از حضرت رضا ^(ع) اجازه بگیرم. نهایتاً به دلیل اعلام قرنطینه خراسان از رادیو و ممنوعیت خروج از مشهد، امکان بازگشت فراهم نشد و این گونه، اذن خروج از جانب امام، ازطریق یک حادثه بیرونی، آشکار شد. این نشان از عمق ارتباط و حساسیت این بزرگان نسبت به آداب حضور و خروج از حریم ائمه ^(ع) دارد.

از مهم ترین درک هایی که می توان از زیارت امام رضا ^(ع)، حاصل کرد، این است که آن حضرت، وظیفه خود می دانند زائر خویش را راضی کنند. این فراتر از بر کردن جیب زائران یا برآورده کردن حاجات مادی صرف است، بلکه به رضایت قلبی و باطنی آن ها مربوط می شود. در سال ها مجاورت با حرم امام رضا ^(ع)، به این درک رسیده ام که امام رضا ^(ع)، انگار وظیفه خودش می داند زائرش را راضی کند. «این حقیقت را علامه طباطبائی ^(ه) به عنوان «رافت حسنی امام رضا ^(ع)» تعبیر کرده است. این رافت به گونه ای است که حتی اگر کسی بدون نیت زیارت به مشهد بیاید و در شهر خوش بگذراند، امام به همین مقدار از او شاد می شود. حکایت زنی که نمی خواست حرم برود، ولی در پایان سفر به دلیل خوش گذرانی در شهر، در خواب امام رضا ^(ع) را دید و حضرت به او فرمودند: «خوشحالم که در شهر من به تو خوش گذشت.» این نشان دهنده عمق رافت و مهربانی امام است که حتی به دلخوشی های کوچک زائرانش، توجه می کند و درصدد رضایت خاطر آن هاست.

خدا فراموش کار نیست



دکتر امیرحسین هدادیان
نویسنده و فعال فرهنگی

دید و هر که هم وزن ذره ای بدی کند، آن را خواهد دید.» (زکزال/۸۷)، جناب لقمان حکیم نیز در هنگام تربیت فرزند خود، او را به این موضوع توجه می دهد: «پسرم! اگر کار شایسته یا ناشایسته تو هم وزن یک دانه خردل باشد و آن هم در دل صخره ای یا در آسمان ها یا در دل زمین نهان باشد، خدا آن را برای حسابرسی حاضر خواهد کرد.» امام صادق ^(ع) در یک تعبیر زیبا، این تصور نادرست را این گونه اصلاح می فرمایند: «شیخائن مِّنْ هَؤُلَاءِ لَا یُحِیُّنَ؛ خداوند منزه است از اینکه چیزی را فراموش کند، بلکه او همه چیز را ثبت می کند.» (الدعوات، ج یک، ص ۹۲) در روایات متعدد نیز به وجود فرشتگانی اشاره می کند که تمام کارهای خوب و بد، تلاش ها و تنبلی ها را می نویسند و ثبت می کنند. در همین دنیا هم پاداش می دهند. این تصور هم نادرست است که خداوند فقط در آخرت به زحمات و نیکی های انسان پاداش

این در حالی است که خداوند به صراحت می فرماید: «وَمَا كَانَ رَبُّکَ نَسِیًّا؛ پروردگارت هیچگاه فراموشکار نیست.» (مریم، ۶۴) همچنین در جای دیگر می فرماید: «لَا یُضِلُّ رَبِّی وَلَا یَنسِی؛ پروردگارم در پاداش دادن و کیفر کردن، نه اشتباه می کند و نه چیزی را فراموش می کند.» (طه، ۵۲) خداوند برای دانستن، نیازی به «یادآوری» ندارد؛ زیرا گذشته، حال و آینده، همگی به یک اندازه در محضر علم بی پایان او حاضرند. همه چیز ثبت می شود قرآن کریم به صراحت می فرماید: «لَا یَذْفَرُ صَغِيرَةً وَلَا کَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا؛ خداوند در نامه اعمال انسان ها، هیچ ریزود رشتی را فروگذار نمی کند و همه چیز را به شماره می آورد.» (کهف، ۴۹) همچنین درجایی دیگر می فرماید: «فَمَنْ یَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَمْکُرْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ؛ هر که، هم وزن ذره ای نیکی کند، آن را خواهد

یکی از تصورات نادرست درباره خدای بزرگ این است که برخی گمان می کنند خدا، زحمات و کارهای خوب ما را نادیده می گیرد و پاداش آن ها را فراموش می کند. این تصور نادرست، نیز ناشی از این نگاه است که ما خداوند متعال را مانند انسان ها فرض می کنیم که اگر به آن ها خوبی کردیم یا زحمتی برایشان کشیدیم، فراموش یا قدردان شناسی می کنند و باید به آن ها یادآوری کنیم.

ترس از فراموش شدن و نگرانی از دیده نشدن، برای جان بشر آموزری است. اگر کسی این تصور غلط را درباره خداوند داشته باشد، برای فراموش نشدن و دیده شدن، دست به هر کاری می زند. اما انسانی که باور دارد خدا او را می بیند و پاداش نیکی های او را فراموش نمی کند، تمام زندگی اش خدایی می شود.

هیچ تلاشی نادیده گرفته نمی شود یکی از آثار بسیار بد این تصور نادرست درباره خداوند، این است که انسان دچار ناامیدی می شود؛ اینکه گمان کند خداوند زحمات او را فراموش می کند و پاداشی در قبال آن نمی دهد. انسان را بی انگیزه می کند. اگر هم انگیزه ای داشته باشد، برای به دست آوردن ثروت و قدرت بیشتر است نه برای رضایت الهی.

می دهد. اما حقیقت این است که وقتی باور داشتیم خداوند فراموش کار نیست، یعنی هم در دنیا و هم در آخرت، پاداش تلاش های ما را می دهد. (اسراء، ۱۸) از دیدگاه قرآن، این گونه نیست که خداوند، پاداش کار نیک را در دنیا فراموش کند یا نخواهد بدهد، بلکه خداوند می تواند پاداش کارهای نیک را هم در دنیا و هم در آخرت عطا کند. «فَاتَّخِذُوا الذِّکْرَ وَ حَسْبُ ثَوَابِ الْآخِرَةِ» (آل عمران، ۱۴۸)

آرامش؛ در پرتو تصور درست از خداوند باور به اینکه خدا فراموش کار نیست، مستقیما بر آرامش درونی انسان تأثیر می گذارد. وقتی انسان یقین کند که حتی کوچک ترین نیت خیر، پنهانی ترین دعا و خالصانه ترین قطره اشکی که در دل شب می ریزد، نزد خداوند محفوظ است، احساس تنهایی و پوچی نمی کند. این حقیقت، به تلاش های ما معنا می بخشد. شاید در دنیای مادی، بسیاری از زحمات ما دیده نشود یا مشمول قدردانی قرار نگیرد، اما باور به علم مطلق الهی، به ماطمینان می دهد که هیچ تلاشی در مسیر درست، بی پاداش نخواهد ماند.